

بسم الله الرحمن الرحيم

پشت پرده همه پرسى برای جدایی اقليم كردستان

(ترجمه)



پرسش

چرا بارزانی باوجود عدم توافق جهانی و منطقه ای برای همه پرسى، بازهم اصرار دارد که این همه پرسى صورت گیرد؛ مگر چنین همه پرسى در شرایط کنونی به ضرر خود کردها نیست؟! پرسش دیگر این که آیا انتظار می رود، این همه پرسى صورت گیرد، و اگر صورت گیرد و اکثریت با جدایی كردستان موافقت نشان دهند، آیا ممکن خواهد بود که کردها در منطقه دولت مستقل خود را داشته باشند؟

پاسخ

نقل قول معروفی است که می گویند: اگر حاکمی علیه سرزمین خودش تصمیمی اتخاذ نمود، به این معنی است که آن حاکم مزدور کسی دیگری بوده و تصمیمی را که اتخاذ نموده به اشاره دولت دیگری است و در آن منافع آن دولت را در نظر دارد. واقعیت کردهای اقليم كردستان مصداق دقیق این نقل قول بوده و شرح آن قرار ذیل است:

۱. هر سیاست مدار آگاهی، به خوبی می داند که دستیابی کردها به یک دولت مستقل کاری بس دشوار است؛ بلکه حتی ممکن در شرایط کنونی، تلاش برای ساختن دولت مستقلی برای کردها می تواند به ضرر اقليم كردستان تمام شود، نه تنها ضرر سیاسی و معنوی؛ بلکه حتی ضرر مادی نیز دارد. بنابر این مسئله اصلی و سیاست جاری در عراق این نیست که کردها صاحب دولت مستقلی شوند؛ زیرا اگر چنین می بود، امکانات تشکیل چنین دولتی و زمینه سازی برای آن از گذشته ها صورت می گرفت. منظور این است:

نظامی را که امریکایی ها پس از اشغال عراق در این سرزمین برپا نمودند و به نام قانون اساسی بریمر شهرت یافت، این نظام عراق را به سرزمینی دارای حکومت فدرالی تبدیل نمود، حکومتی که دارای یک مرکزیت ضعیف و کم صلاحیت باشد، در حدی که اقلیم کردستان از نظر حکومتداری و اجرای امور در این اقلیم نسبت به حکومت مرکزی بغداد، از صلاحیت و تصرفاتی به مراتب بیشتر برخوردار می باشد.

شکی نیست که دولت های استعمارگر کافر خواب تقسیم و پاره پاره کردن هر بخشی از سرزمین های اسلامی را که اشغال می کنند، در سر می پروارند؛ اما برای بر آوردن این هدف شوم شان در انتظار فرصت مناسب می نشینند و دلیل آن کینه و نفرتی بی پایانی است که از اسلام و مسلمانان در دل دارند. در پاسخ به پرسشی که قبلاً به تاریخ ۱۲/۰۸/۲۰۱۴م، منتشر نموده بودیم گفتیم:

«امریکا از ابتدای اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م، پیوسته در پی زمینه سازی برای تقسیم عراق می باشد، چنان چه قانون اساسی را که بریمر گذاشت، مبتنی بر اساس قومی و مذهبی و برخورداری هر قوم و مذهب از سهمی مشخص، طوری که سهمی برای رئیس جمهور، سهمی برای رئیس پارلمان و سهمی برای نخست وزیر در نظر گرفته است. از آن جایی که قدرت اجرایی را نخست وزیر در اختیار دارد، بریمر این پست را هدفمندانه یک پست مذهبی قرار داد تا بهانه ای برای تحریک و برانگیختن تنش ها به نسبت سایر ساختارها باشد. این قانون اساسی خود به صراحت خواستار تشکیل حکومتی اتحادی و متشکل از اقلیم های مختلف و با صلاحیت های زیاد می باشد. به این ترتیب دیده می شود که امریکا در فراهم نمودن شرایط تقسیم عراق به چند اقلیم موفق بوده...»

حکومت اتحادی طوری است که هر اقلیم آن از نظر عملی یک دولت به شمار می رود، با این تفاوت که بعضی ساختارهای رسمی را کم دارد؛ مانند: سفارت خانه ها، عضویت سازمان ملل و سایر امور ظاهری و ساختاری؛ اما از نظر عملی، اقلیم یک دولت مستقل با اختیارات کامل به شمار می رود و به این ترتیب اقلیم کردستان در حقیقت دولتی در داخل دولت دیگر بوده و عملاً از دولت مرکزی جدا می باشد، و واقعیت این است که عراق به عنوان یک دولت یک پارچه عملاً وجود ندارد. بنابر این اقلیم کردستان در حقیقت نیاز به برخورداری از استقلال و تشکیل دولتی در داخل دولت عراق ندارد؛ زیرا از نظر عملی، عملاً یک دولت مستقل به شمار می رود.

چنان چه اشاره شد، مسئله اصلی این نیست که کردها بتوانند برای خودشان دولت مستقل و با مرزهای مشخص اقلیم کردستان عراق را تشکیل دهند و ارتباطی با سایر مناطق کردنشین بیرون از مرزهای عراق باشد؛ بلکه حتی تشکیل هر گونه دولتی برای کردها خود می تواند تحرکات شدیدی را در پی داشته و سر و صداهای آنان را بلند نماید؛ زیرا دولت کردی به اقلیم کردستان خلاصه نمی شود. با این حساب تشکیل دولتی مستقل برای کردها در عراق، ضربه سنگینی است، به ویژه برای امریکا و مزدوران منطقه ای آن، یعنی ترکیه، ایران و سوریه. بنابر این هر سیاست مدار آگاهی به خوبی می داند که ساخت دولتی برای کردها، چه در عراق یا ترکیه و یا سوریه، ممکن نیست و شرایط فعلی بین المللی و اقلیمی هرگز اجازه تشکیل چنین دولتی را نمی دهد.

بعید می‌دانم که سیاست‌مداران کرد به شمول مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان، این واقعیت را درک کرده نتوانند؛ بلکه چنان چه قبلاً اشاره نمودیم، ممکن است هدف اصلی از سر و صدای تشکیل دولت کردی در شرایط فعلی این باشد که آب گل آلود شود و سپس تنش‌هایی در منطقه بالاگیرد، به ویژه منطقه کردستان که به ضرر خود آنان تمام شود، ضرری که به ضرر سیاسی و معنوی خلاصه نشده؛ بلکه خسارت‌های مادی نیز برای شان به بار آورد. با این حساب، این تصمیم بارزانی در شرایط کنونی به ضرر سرزمین خود اش تمام خواهد شد.

۲. حالا این پرسشی مطرح می‌شود، دولتی که پشت پرده بارزانی را به این تصمیم تحریک نموده و حمایت می‌کند، کدام دولت است و این تصمیم برای آن دولت پشت پرده چه منفعتی دارد؟ باید گفت نشانه‌ها و دلایل واضح و روشنی وجود دارد که بر اساس آن تشخیص این دولت پشت پرده کار دشواری نیست؛ روشن است که بارزانی هرگز توان این را ندارد تا در برابر امریکا و دولت‌های وابسته به امریکا که اقلیم کردستان را احاطه کرده‌اند، قرار گرفته و بدون تحریک هیچ‌جهتی، شخصاً اعلام نماید که تصمیم دارد برای جدایی اقلیم کردستان از عراق، همه‌پرسی به راه اندازد و به هیچ‌وجه توان رویارویی با مخالفان بین‌المللی و منطقه‌ای این تصمیم را نیز ندارد؛ مگر این که دولت بزرگ دیگری پشت پرده از وی حمایت نموده و او را به اتخاذ چنین تصمیمی تشویق نماید.

آری، اقلیم کردستان با تمام دار و ندارش بسیار ناتوان‌تر از آن است که بتواند در برابر این دولت‌ها، به ویژه امریکا که عراق به صورت کامل در چنگال آن قرار دارد، ایستادگی کند. چنان چه پیشتر اشاره شد، درک این که دولت بزرگی پشت پرده از بارزانی حمایت نموده و به وی اشاره می‌کند که چنین تصمیمی را اتخاذ نماید، این دولت بزرگ نیست؛ مگر انگلیس. خانواده بارزانی‌ها از اواخر دولت عثمانی تا کنون با انگلیس ارتباط دارند و مسعود بارزانی این ارتباط را از پدرش مصطفی ملا بارزانی و وی از برادر خویش احمد بارزانی و پیش از همه آنان عبدالسلام بارزانی به ارث برده‌اند. عبدالسلام بارزانی از سال ۱۹۰۹م تا سال ۱۹۱۴م رهبری مخالفت مسلحانه‌ای کردی را علیه دولت عثمانی به عهده داشت و انگلیس آشکارا از وی حمایت می‌نمود. بنابر این خانواده بارزانی از گذشته‌های دور با انگلس در ارتباط می‌باشد.

در عین حال اگر به واکنش‌های جهانی که در برابر اعلام همه‌پرسی صورت گرفت، نظری بیندازیم، خواهیم دید که انگلیس علی‌رغم مکر و اسلوب خبیثانه‌ای که معمولاً در سیاست‌هایش به کار می‌گیرد، این بار موافقت‌اش با این همه‌پرسی را آشکارا اعلام نمود؛ به طور مثال: بارزانی به تاریخ ۲۴ اگست ۲۰۱۷م با فرانک بیکر سفیر انگلیس در عراق دیدار نمود تا حمایت انگلیس را به رخ جهان بکشد. صفحه انترنتی "رووداو" به تاریخ ۲۴ اگست ۲۰۱۷م در بخشی از خبرهای مربوط به این دیدار گفت: «در دیداری که بارزانی با سفیر بریتانیا در عراق داشت، طرف مهمان (سفیر) ابراز نمود که کشورش حقوق مردم کردستان را درک می‌کند. وی موقوف بریتانیا در خصوص راه‌اندازی این همه‌پرسی را به اطلاع رئیس اقلیم کردستان رسانید.» واژه "درک کردن" در زبان دیپلوماسی به معنی تأیید بوده و معنی "به اطلاع رسانیدن" بدون نام بردن از چیزی، نیز تأیید است، این بدان معنی است که موقوف انگلیس در

خصوصاً تصمیم‌های بارزانی برای همه‌پرسی مثبت می‌باشد؛ بلکه واقعیت این است که انگلیس از آن پشتیبانی می‌کند و با وجود مخالفت آمریکا و دولت‌های وابسته به آمریکا در منطقه، این کشور از بارزانی می‌خواهد تا روی تصمیم‌اش هم چنان استوار بماند.

به‌طور مثال: مصطفی‌مسوول روابط خارجی اقلیم کردستان در گفتگو با پایگاه خبری کردستان ۲۴ چنین گفت: «بریتانیا با راه‌اندازی همه‌پرسی مخالفت ندارد و علیه خواسته‌های کردها قرار نمی‌گیرد. مصطفی‌این سخنان را پس از دیدار ایستر بیترت و زیر‌امور شرق میانه و شمال افریقای بریتانیا در آوریل با شماری از مسوولین کرد مطرح نمود. وزیر نامبرده روز یک‌شنبه گذشته جهت دیدار و گفتگو با مسوولین کرد در خصوص پاره‌ای از مسایل وارد شهر اربیل شد و این در حالی است که کردها قصد دارند، به تاریخ ۲۵ سپتمبر سال جاری در گامی به سوی تأسیس دولتی مستقل برای کردها، همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان از عراق را راه‌اندازی نمایند.» (منبع: ۲۴ Kurdistan آوریل ۵ سپتمبر ۲۰۱۷م) به این ترتیب روشن است که تصمیم برای همه‌پرسی را که بارزانی بر سر زبانها انداخته، در اصل به فیصله انگلیس مطرح گردیده است.

۳. جریان منافع انگلیس از این تصمیم بر می‌گردد به زمان پیروزی ترامپ در انتخابات، آنگاه که تریزیمی نخست‌وزیر انگلیس با عجله خودش را به تاریخ ۲۶ جنوری ۲۰۱۷م به واشنگتن رسانید تا پیروزی ترامپ را از نزدیک برایش تبریک و تهنیت بگوید. در آن دیدار ترامپ تعریف و توصیف‌های بی‌شمار را نثار تریزیمی نمود و وی نیز از ترامپ تعریف و توصیف فراوانی نمود؛ اما هدف هر یک از دو جانب از این تعریف و توصیف‌ها چیز متفاوتی بود. ترامپ در پی این بود که انگلیس تمام توان‌اش را برای از هم‌پاشانیدن اتحادیه اروپا به‌کارگیرد، طوری که در قدم نخست انگلیس بدون هیچ تأخیری خود‌اش را از پیکر اتحادیه جدا کند و در عین حال تمام تلاش‌اش را بر ایجاد فضای فروپاشی اتحادیه نیز به‌کار اندازد، به‌ویژه در فرانسه و هالند که در شرف برگزاری انتخابات قرار داشتند.

اما خواست تریزیمی از ترامپ این بود که یک سلسله توافق‌نامه‌های تجارتي را با انگلیس امضاء نماید تا وی در زمان خروج از اتحادیه اروپا با استفاده از آن، از سایر دولت‌های اروپا امتیازگیری نماید. هر یک: ترامپ و تریزیمی در جریان آن دیدار روی هدف خودش اصرار می‌نمود. تریزیمی تلاش داشت تا با استفاده از سیاست معمولی که انگلیس در روابط بین‌المللی دارد، هدف‌اش را که دست‌رسی به توافقات تجارتي بود، پنهان نگهدارد و آن را با اسالیب غیر مستقیم مطرح نماید؛ اما درک پایین ترامپ از برخوردها و روابط دیپلماتیک و اظهارات بی‌پرده‌اش، این فرصت را از تریزیمی گرفت که نیت‌اش را پنهان نگهدارد.

زمانی که طرف‌داران اتحادیه اروپا در انتخابات فرانسه و هالند پیروز شدند، به‌علاوه این که آلمان با تمام توان از اتحادیه حمایت می‌کند و توجه ویژه‌ای برای حفظ آن به خرج می‌دهد، آنگاه بود که ترامپ متوجه شد که هدف اصلی انگلیس بستن قرار دادهای تجارتي با آمریکا بوده و تریزیمی به موضوع از هم‌پاشی اتحادیه اروپا که خواست اصلی ترامپ بود، توجه کافی نکرده. این مسئله ترامپ را عکس‌العملی نمود و در نتیجه قطر را که از وابسته‌گان انگلیس است، هدف قرار داده و دستور داد تا کشورهای خلیج هم‌جوار قطر با آن قطع رابطه نمایند. قبلاً در پاسخ به پرسشی که به تاریخ ۲۳ جولای ۲۰۱۷م منتشر نمودیم، گفته بودیم:

«و اما در مورد انگلیس باید گفت که سفر مبتکرانه تریزومی نخست وزیر این کشور به واشنگتن به تاریخ ۲۶ جنوری ۲۰۱۷م و اصرار اش برای امضای توافق نامه تجارتي با واشنگتن به این منظور بود که تشویقی برای سایر دولت های اتحادیه اروپا در جهت بیرون شدن از دایره این اتحادیه باشد. به این ترتیب انگلیس مجدداً خود را به امریکا پیوند زده و به اداره حکومت ترامپ خوش بین شد؛ اما پس از آن که آرزوهای امریکا مبنی بر فروپاشی اتحادیه اروپا به حقیقت نپیوست، چنان چه طرف داران اتحادیه اروپا در انتخابات فرانسه و هالند به پیروزی رسیدند، دید مثبت ترامپ نسبت به انگلیس به عقب برگشت؛ زیرا خواست ترامپ از انگلیس این بود که روند فروپاشی اروپا را رهبری نماید؛ اما زمانی که تجربه لندن در پاریس و امستردام تکرار نشد، امریکا مجدداً شروع به هدف قراردادن منافع انگلیس در سطح جهانی نمود که باعث شوکه شدن لندن از این موقف شد. چنان چه امریکا به مزدور اش عبدالفتاح السیسی دستور داد تا خلیفه حفتر را بدون در نظر داشت منافع انگلیس در لیبیا حمایت و پشتیبانی نماید. از جانب دیگر به مزدوران خلیجی اش دستور داد تا بالای قطر فشار وارد نمایند، قطری که ابزار اصلی انگلیس در منطقه عربی و اسلامی به شمار می رود.»

به این ترتیب تمام موارد فوق الذکر باعث شد که ترامپ دیوانه وار به سعودی سفر نموده و آن جا نشست چند جانبه را به راه اندازد و پس از آن با طرح قطع رابطه با قطر، خواست که انگلیس را به کشتارگاه بکشاند.

۴. انتظار می رفت که انگلیس نیز علیه منافع امریکا در منطقه دست به مزاحمتی بزند و به همین دلیل بود که تصمیم اخیر مبنی بر تحریک بارزانی برای راه اندازی همه پرسی فوق الذکر را اتخاذ نمود تا مزاحمتی برای امریکا و مزدوران منطقه ای آن باشد. طبیعتاً از دست انگلیس کاری فراتر از مزاحمت به امریکا بر نمی آید؛ زیرا توان رویارویی مستقیم و علنی با امریکا را ندارد؛ بلکه تنها می تواند دست به مزاحمت زده و امریکا را اذیت کند، به ویژه در صورتی که شرایط مناسب و کار موثری برای مزاحمت پیدا کند؛ مانند همه پرسی کردستان.

انگلیس اصرار دارد که بارزانی تا آخرین حد ممکن پیش برود؛ زیرا شرایط کنونی برای امریکا و هم چنین مزدوران اش؛ هر یک ترکیه، ایران و سوریه به دلیل تحرکات مسلحانه موجود، شرایط بسیار داغ و حساسی است. به همین دلیل است که بارزانی پیوسته اصرار دارد که این همه پرسی باید برگزار شود و انگلیس فضا را برای این همه پرسی آماده نموده و به نحوی هشدار می دهد که در اقلیم کردستان برای کردها دولت مستقلی ایجاد خواهد نمود. انگلیس طبق معمول و بر اساس سیاست نیرنگ آمیز و گمراه کننده ای که از آن ثابت است، قطعاً به اندازه ای که منافع خود اش را ترجیح می دهد، به منافع کردها اهمیت نمی دهد و تاریخ تعاملات فریبنده آن با کردها مملو از مثال هایی است که این ادعا را به خوبی تأیید می کند. در پاسخ به پرسشی که به تاریخ ۱ اپریل ۲۰۰۹م منتشر نموده بودیم، گفتیم:

«انگلیس به محمود حفید در سال ۱۹۱۹م وعده داد که اگر به حریم عثمانی ها در سلیمانیه حمله نماید، برای وی در کردستان دولتی مستقل تشکیل خواهد داد. کردها به سلیمانیه حمله نموده و برادران عثمانی شان را به قتل رسانیده و نجات یافته گان شان را فراری دادند؛ اما انگلیس به وعده اش وفا نکرد؛ بلکه محمد حفید را به مستعمره اش، هند انتقال داد. هم چنین انگلیس بالای معاهده

سیفر در سال ۱۹۲۰ م با دولت عثمانی اصرار نمود که در آن بندی مربوط به برپایی دولت کردی به منظور مزاحمت به خلیفه محمد وحید الدین علاوه گردد، چنان چه هیأت خلیفه خود طرف مذاکره را تشکیل می داد؛ اما زمانی که انگلیس بعدها موفق شد که مصطفی کمال را به صفت رئیس جمهور ترکیه منصوب نماید و خلافت به پایان رسید و طرف معاهده جمهوری ترکیه به ریاست مصطفی کمال شد که در لوزان و در سال ۱۹۲۴ م راه اندازی گردید، آن جا بود که انگلیس یک بار دیگر پایش را پس کشیده و نخواست در آن معاهده بندی مبنی بر ایجاد دولتی برای کردها وجود داشته باشد؛ زیرا هدف اش بر آورده شده بود که همانا سقوط دادن خلافت بود. انگلیس از همان گذشته احساسات قوم گرایی کردی و سایر اقوام را در منطقه بر می انگیزد و با استفاده از کسانی که تحریک می شدند، علیه دولت اسلامی تخریب کاری می نمود تا این که سر انجام هدف اش را بر آورده نمود؛ اما پس از آن تمام همکاران اش برای تحقق این هدف آن را به دور انداخت و یا با تعیین نمودن آنان به صفت حکام و رهبران، آنان را به بنده گی گرفت.» به این ترتیب دیده می شود که نیرنگ و فریب کاری های انگلیس تاریخ طولانی دارد.

۵. به این ترتیب بارزانی در همه پرسى تاریخ ۲۵/۰۹/۲۰۱۷ م بخاطر تشکیل دولتی برای خود، بدون توجه به مواضع بین المللی و منطقی؛ حتی با وصف عدم پذیرش آن از طرف یک تعداد از کردها اصرار دارد؛ چنان چه تصریح داشته است: «اقلیم کردستان روز چهارشنبه، بر همه پرسى تجزیه طلبی از عراق که قرار است به تاریخ ۲۵ سپتمبر آینده برگزار شود.» وی مجدداً تأکید نمود و هرگونه تأخیر یا لغو این پروسه را علی رغم رد آن و نتایج اش از سوی حکومت مرکزی، به اضافه تلاش های بین المللی و منطقی که برای منصرف کردن اربیل از برداشتن این گام در جریان است، رد نمود.

شورای عالی همه پرسى اقلیم کردستان، دیروز در خلال نشستی به ریاست مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان، نتایج بازدید اخیر نماینده گان کرد از بغداد بخاطر همه پرسى و هم چنان گفتگوهای دو روز پیش بارزانی همراه ماتیس در اربیل را به بحث گرفت. مشاور بارزانی گفت: «مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان تأکید دارد تا همه پرسى در موعد مقرر اش ۲۵ سپتامبر برگزار شده و حتی یک دقیقه هم از موعد اش تأخیر نداشته باشد.» (منبع: به نقل از شبکه العربیه مورخ ۲۴ اگست ۲۰۱۷) این اظهارات در حالی بیان می گردد که مواضع مخالف منطقی و فرامنطقی در مورد همه پرسى به وضاحت صورت گرفته است؛ بطور مثال:

الف) مسعود بارزانی به تاریخ ۲۰۱۷/۰۶/۰۷ م همه پرسى را در مناطق کردنشین عراق به منظور تأسیس دولت مستقل کردنشین اعلام نمود و مدعی شد که این همه پرسى را در ۲۵ سپتمبر آینده برگزار خواهد کرد. امریکا از همان بدو اعلان فوق، این همه پرسى را رد نمود؛ چنان چه "برت مک گورک" نماینده ویژه دونالد ترامپ در ائتلاف جهانی مبارزه با داعش، چنین گفت: «اجرای این همه پرسى در حال حاضر منجر به بی ثباتی خواهد شد و ما معتقدیم که این همه پرسى در ماه سپتامبر با توجه به این جدول زمان بندی سریع، مناسب نیست؛ چون قرار است این همه پرسى در مناطقی به ویژه مورد نزاع، به شکل ملموسی منجر به بی ثباتی خواهد شد.» (منبع: ف ب ۲۰۱۷/۰۶/۰۸ م)

اخیراً به تاریخ ۲۰۱۷/۰۸/۱۱ م ریکس تیلرسون وزیر خارجه امریکا در تماسی تلفونی با مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان، به نماینده گی از واشنگتن ابراز تمایل نمود که این همه پرسی به تأخیر افتد. وی هم چنان بر حمایت از گفتگوها و جستجوی راه حل با بغداد تأکید کرد. به تاریخ ۲۰۱۷/۰۸/۲۲ م امریکا وزیر دفاع خویش جیمز ماتیس را به بغداد به منظور نشست با عبادی نخست وزیر عراق فرستاد تا پس از آن به اربیل همراه بارزانی دیدار کند. هم چنان وی به تاریخ ۲۰۱۷/۰۸/۲۳ م به ترکیه رفت تا از بازوی موثر (ترکیه) در منطقه استفاده کند.

ب) هم چنان کشورهای طرفدار امریکا در منطقه نیز این همه پرسی را نپذیرفتند؛ چنان که سعد حدیثی سخنگوی نخست وزیر عراق بیان داشت: «هر موضع و گامی که از طرف جناح های عراقی برداشته می شود، لزوماً باید مطابق قانون اساسی بوده و هر گونه تصمیم در مورد آینده عراق که قانون اساسی آن را به عنوان یک کشور دموکراتیک فدرالی با حاکمیت ملی کامل معرفی نموده است، باید مواد مربوطه قانون اساسی در آن رعایت شود... تنها یک جناح نمی تواند با به انزوا کشاندن سایر جناح ها، سرنوشت عراق را تعیین کند.» (منبع: آزادی امریکا ۲۰۱۷/۰۶/۰۹ م)

ترکیه نیز از آوان اعلام همه پرسی و استقلال کردستان، مخالفت خویش را ابراز نمود؛ چنان چه وزارت خارجه این کشور این تصمیم رئیس اقلیم کردستان را خطای فاحشی که وحدت و سلامت اراضی عراق را تهدید می کند خواند. (منبع: آزادی امریکا ۲۰۱۷/۰۶/۰۹ م) هم چنان اردوغان پس از نشستی که با وزیر دفاع امریکا ماتیس داشت گفت: «تصمیم این همه پرسی یک تصمیم اشتباه است.» (منبع: الجزیره ۲۰۱۷/۰۸/۲۴ م)

هم چنان ایران شنبه به تاریخ ۲۰۱۷/۰۶/۱۱ م بعد از مدت زمان اندکی از اعلام همه پرسی، اعلام نمود که این کشور به شدت مخالف همه پرسی ای می باشد که قرار است در سپتمبر آینده در کردستان عراق برگزار شود. با تأکید بر این که "موضع تهران در مورد تمامیت ارضی عراق روشن است"، بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: «تصمیم فردی و دور از معیارها و چارچوب قانونی و ملی، منجر به مشکلات مزید و پیچیده گی اوضاع امنیتی در عراق خواهد شد.» (منبع: afkarhura.com ۲۰۱۷/۰۶/۱۵ م) و همین شبکه به تاریخ ۲۰۱۷/۰۹/۰۷ م اظهارات رئیس مجلس شورای ایران را نقل کرد که وی گفته بود: «حسین امیر عبداللهیان دستیار خاص رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین المللی، تأکید کرد که اجرای همه پرسی در کردستان عراق، بحران جدیدی را به بار خواهد آورد.»

امریکا در داخل کردستان نیز طرفدارانی دارد که می توان به جنبش کُردی گوران (تغییر) و حزب طالبانی (حزب اتحادیه میهنی کُردستان) اشاره نمود که جنبش گوران به اعلان بارزانی برای اجرای همه پرسی مخالفت نشان داده و هوشیار عضو این جنبش در پارلمان کردستان گفت: «جنبش تغییر هنوز به همان نظر سابق خویش ثابت است که اجرای همه پرسی در این برهه از زمان اشتباه بوده و تمام این اجنداء، اجندای شخصی و حزبی مسعود بارزانی است.» وی تأکید داشت که: «حزب دموکرات کردستان همانند بازی شطرنج پیاده است نه بازیکن.» (منبع: ایلاف ۲۰۱۷/۰۸/۰۵ م)

هم چنان فواد معصوم رئیس جمهور عراق که منتسب به حزب طالبانی (حزب میهنی دموکرات گُردستان) می باشد، این همه پرسى را رد نموده گفت: «چوکى ریاست جمهوری بر شانه ها و آرای گُردها بناشده و معادل یک قطره خون و فداکاری شان نیست، به معصوم اجازه خیال پردازی رسیدن به دولت شان را نخواهند داد و در روز همه پرسى به آن جواب "نه" خواهند گفت.» حزب دموکرات گُردستان در بیانیه ای اظهارات معصوم را خطرناک تلقی نموده و مدعی شد که این بیانیه، پیام بدی به جهانیان خواهد داشت که در نهایت کار، همه پرسى را مشکل کرده و از ارزش اش می کاهد. (منبع: afkarhura.com)

علی رغم مخالفت های جهانی و منطقی؛ چنان چه قبلاً تذکر دادیم، بارزانی آن قدر در اجرای این همه پرسى جدی است که حتی یک دقیقه تأخیر آن را نمی پذیرد. دلیل این همه، چنان چه قبلاً جریان امور اتفاق افتاده را بررسی کردیم، فشارهایی است که از طرف انگلیس به سر بارزانی تحمیل می شود.

۶. حال پس از آن که رویدادهای همه پرسى را با عوامل مختلف تأثیر گذار آن به بررسی گرفتیم، انتظار می رود تا پاسخی قناعت بخش در مورد این همه پرسى ارایه کنیم. در روشنایی مسایلی که بیان شد، احتمال می رود که امور ذیل اتفاق افتد:

الف) در هر صورت انتظار نمی رود که برای گُردها یک دولت قانونی با معیارهای جهانی تأسیس شود؛ چون پروژه امریکا در عراق این است که این کشور، دولتی اقلیمی و فدرالی با ارتباطی شکننده با مرکز باشد؛ یعنی از ناحیه عملی بخاطر حکومتداری این تقسیم صورت می گیرد، و اما از ناحیه رسمی دولتی باقی می ماند که متشکل از چند اقلیم فدرالی بوده و به نام عراق یاد خواهند شد.

پروژه امریکا از بدو اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م چنین بود. چنان چه در خلال اشغال خود بذر تقسیم، تکه و پارچه کردن آن را افشاند؛ مگر اعلام آن ها را به حیث کشورهای مستقل، الی رسیدن به وقت مناسب اش معطل کرد. در سال ۲۰۰۳م "بریمر" حاکم امریکا در عراق، قانون اقلیم های فدرالی را در عراق وضع نمود که در نتیجه آن، دولت یک پارچه و قوی مرکز از بین رفت و دولت فدرالی شکننده و ضعیف جایگزین آن شد که در آن قدرت اقلیم ها قوی تر از مرکز است تا امریکا در زمان مناسبی که می تواند و مصلحت خویش را نیز در آن می بیند، عراق آماده اعلام رسمی چند دولت باشد.

اما اکنون پروژه امریکا در عراق این است تا آن را به کشور چند اقلیمی و فدرالی که داری ارتباط شکننده و ضعیف با مرکز باشند، تبدیل کند. ما جواب سوال گذشته را به تاریخ ۲۰۱۴/۰۸/۱۲م ارایه کرده بودیم که در آن آمده بود: «امریکا از بدو اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م به شکل مستمر به فکر پارچه کردن عراق است. قانون اساسی ای که "بریمر" وضع کرده بود، بر بنیاد اختلافات فرقه ای و مذهبی استوار بوده که در آن حصه هر فرقه و مذهب مشخص شده بود... وی این قانون را به رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس پارلمان توضیح داد؛ چون نخست وزیر قدرت اجرایی را به دست دارد و از طرفی هم "بریمر" این پُست و سمت را مذهبی جلوه داد که این کار باعث تحریک و فتنه انگیزی برای سایر پُست ها شد... چون در همین قانون اساسی، حکومت ائتلافی شامل اقلیم ها بوده و هم زمان صلاحیت های اقلیم ها نیز قوی ذکر شده بود. به این ترتیب امریکا موفق به ایجاد اوضاع مناسب برای پارچه کردن عراق گردید.»

بنابر این، سیاست فعلی امریکا خواهان حکومت های متعدد در عراق نبوده؛ بلکه حکومت فدرالی ضعیفی می خواهد که عملاً تقسیم شده و صرف از لحاظ شکلی به عنوان حکومت باقی مانده است. بناً در شرایط فعلی تقسیم عراق به حکومت های متعدد، بعید به نظر می رسد. حداقل تا مدتی مطابق پروژه "بریمر" عراق باید از لحاظ عملی؛ چنان چه به اقلیم های متعددی که قدرت شان از مرکز قوی تر است، باقی بماند.

ب) چنان چه اعلام همه پرسی به فرمان انگلیس بخاطر نفس کشیدن در تنگنای تحریم های قطر است؛ بناً اگر امریکا انگلیس را در برداشتن یا حتی کاهش تحریم های قطر یاری رسانده و آبرویش را حفظ کند، این همه پرسی نیز لغو خواهد شد.

ج) چون امریکا یگانه دولت مسلط بر عراق است، اگر بخواهد می تواند این همه پرسی را به شکل مستقیم یا غیر مستقیم، با تحریک کردن جنبش های کُرد وفادار خویش در کردستان، یا با تحریک ترکیه و ایران علیه اقلیم یا به طور مشخص علیه بارزانی؛ حتی در صورت نیاز با وارد کردن فشارهای مادی لغو کند.

محمد باقری رئیس ستاد کُل نیروهای مسلح ایران، از آغاز تأسیس جمهوری ایران در سال ۱۹۷۹ م برای اولین بار از ترکیه دیدار کرد. این دیدار که به تاریخ ۲۰۱۷/۰۸/۱۵ م خاتمه یافت، سه روز را به طول انجامید. چنان چه خبرگذاری اناضول نقل می کند: «رئیس جمهور ترکیه از وی در مجتمع ریاست جمهوری در انقره استقبال کرده و دیدار بین این دو ۵۰ دقیقه به طول انجامید.» این خود دلالت بر اهمیت موضوع دارد. چنان چه خبر گذاری رسمی ایرنا نقل می کند: «در این سفر رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران را، فرمانده نیروهای زمینی و فرمانده گارد مرزی و یک تعداد دیگر از فرمانده هان بلند پایه نظامی ایران، همراهی می کردند.»

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه ایران، دیدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، از ترکیه و نشست همراه همتایش را "جهش" و "گامی در راستای همکاری روابط بین دو کشور" توصیف کرد. (منبع: خبر گذاری مهر ایران ۲۰۱۷/۰۸/۲۱ م) بعید به نظر نمی رسد که این دیدار برای هماهنگی در مورد عکس العمل مادی برای لغو همه پرسی و یا هم نتایج قابل اجرایش باشد، و دیدار وزیر دفاع امریکا از انقره به تاریخ ۲۰۱۷/۰۸/۲۳ م یعنی پس از دیدار رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران، این فرضیه را قوت می بخشد.

د) اگر امریکا از نتیجه تطبیق بند "ج" احساس نگرانی جدی داشته باشد، می تواند اجرای همه پرسی را لغو نکرده؛ مگر به آن نتیجه موثر یا قابل اجرایی ندهد و بر اساس این همه پرسی، هیچ گونه اقدامات عملی جدایی طلبانه، صورت نگیرد.

۷. در اخیر باید گفت: واقعاً دردناک است که کفار توانستند رابطه اسلامی را از زنده گی مسلمان ها بر کنند و بجای آن که زمانی به مسلمان های عرب و عجم عزت داده بود، روابط بد بوی قومی و... را جایگزین کنند رابطه ویران کننده ای که مسلمان ها را گروه گروه کرد که در نتیجه برادری اسلامی از بین شان رخت بر بسته و جنگ های خانمان سوز در بین شان در گرفت. قوم گرایی بسان کلنگی است، برای برکندن اساس امت، چنان چه این کافر مستعمر، دیروز با همین کلنگ دولت اسلامی را از بین بُرد، امروز هم به

شکل دوامدار از این کلنگ در صورت توان، برای از بین بردن باقی مانده وجود و هستی امت استفاده می کند. سپس سرزمین های اسلامی را عرصه نبرد بین کشورهای بزرگ و وسیله ای برای ریختن خون مسلمانان قرار می دهد و مسلمان گردن مسلمان دیگر را می زند. اسلام تمام این را حرام قرار داده است و بر وحدت و برادری تأکید کرده است. چنان چه الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾

ترجمه: و همگی به رشته (ناگسستنی قرآن) الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت الله را بر خود به یاد آورید که بدانگاه که (برای هم دیگر) دشمنانی بودید و الله میان دل های تان (انس و الفت برقرار و آن ها را به هم) پیوند داد؛ پس (در پرتو نعمت او برای هم برادرانی شدید و) هم چنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن مرگ تان بیم فرو افتادن تان در آن می رفت) ولی شما را از آن رهانید (و به ساحل ایمان رسانید). الله این چنین برای تان آیات خود را آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید.

و هم چنان می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾

ترجمه: فقط مؤمنان برادران هم دیگرند.

هم چنان اسلام تمام انواع تعصب؛ قومی، وطنی، قبیله ای و... را حرام قرار داده است:

«فَعَنْ عَمْرٍو بْنِ دِينَارٍ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: كُنَّا فِي غَزَاةٍ، فَكَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ: يَا لَلْأَنْصَارِ، وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ: يَا لَلْمُهَاجِرِينَ، فَسَمِعَهَا اللَّهُ رَسُولُهُ e، قَالَ: مَا هَذَا؟ فَقَالُوا: كَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ: يَا لَلْأَنْصَارِ، وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ: يَا لَلْمُهَاجِرِينَ، فَقَالَ النَّبِيُّ e: «دَعُوهَا، فَإِنَّهَا مُنْتَهَةٌ.»

(رواه بخاری)

ترجمه: از عمرو بن دینار روایت است که می گوید: من از جابر بن عبد الله شنیدم که می گفت: ما در غزوه ای بودیم که شخصی از مهاجرین با دست یا پای خود بر پشت یک تن از انصار زد؛ انصاری گفت: ای انصار! و آن مهاجر گفت: ای مهاجرین! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: تعصب را ترک کنید که بد بوست.

وَعَنْ أَبِي مَجَلَزٍ، عَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عُمِّيَّةٍ، يَدْعُو عَصِيْبِيَّةً، أَوْ يَنْصُرُ عَصِيْبِيَّةً، فَقَتَلَهُ جَاهِلِيَّةٌ.»

(رواه مسلم)

ترجمه: ابی مجلز از جناب بن عبدالله بجلی روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه سلم فرمود: کسی که کورکورانه در زیر پرچم دعوت تعصب کرده یا متعصبانه کسی را یاری رسانده و کشته شود، به مرگ جاهلیت مرده است.

مسلمان ها صدها سال را با چنگ زدن به دین خویش و داشتن پیوند مستحکم با پروردگارشان با عزت زیستند که ایشان را اسلام به دور هم جمع نموده بود. حضرات ابوبکر، عمر، عثمان، علی، سلمان فارسی و بلال حبشی رضوان الله علیهم اجمعین صحابه پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند، بندگان الله سبحانه و تعالی و برادر هم بودند و در راه الله سبحانه و تعالی می جنگیدند. حضرت عمر عرب، فاتحانه وارد قدس می شد، صلاح الدین کُردی قدس را از دست صلیبیان آزاد می کرد و عبدالحمید تُرکی، قدس را از کثافت یهود حفظ می کرد. این چنین مسلمان ها عزت می یابند، کسی که شاهد است و گوشی شنوا دارد، لازم است تا این چنین عمل کند.

﴿إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾

[أنبياء: ۱۰۶]

ترجمه: این (سخن برای مفهوم قانون زنده گی دنیوی و آگاهی از سرنوشت حیات اخروی) مردمان عبادت پیشه را کافی و بسنده است.

۱۸ ذی الحجّه ۱۴۳۸ هـ.ق

۹ سپتمبر ۲۰۱۷ م